

مجموعه مباحث اخلاقی

رهایی از کور دلی چگونه؟

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

دی ماه ۱۳۸۵

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« من اليقين ما تهوّن به على مصيبات الدنيا وتجلو به عن بصيرتي
غشوات العمى برحمتك يا أرحم الراحمين »^(۱) .

در جلسات گذشته ذیل مناجات امام سجاد عليه السلام، درباره معنی و مفهوم
بصیرت و عمی و عوامل و موجبات آن سخن گفتیم .
در این جلسه می‌خواهیم با توجه به آیات و روایات موانع بصیرت و
علل کوردلی را بررسی نماییم .

۱- موانع بصیرت

الف : دنیا دوستی

از موانع بسیار مهم بصیرت و روشن بینی ، دنیا پرستی و غرق شدن در
آن است .

امیر المؤمنین عليه السلام می‌فرماید :

« لحبّ الدنيا صمّت الأسماع عن سماع الحكمة وعميت القلوب عن

۱ - مناجات خمس عشره ، مناجات چهارم مناجات الراجين .

نور البصيرة»^(۱).

به دوستی دنیا گوشها از شنیدن دانش و حکمت کر شوند و دیده‌ها از دیدار نور بینش کور گردند.

به همین دلیل امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«حُبِّ الدنیا یعمی ویصم»^(۲).

دوستی دنیا انسان را کور و کر می‌کند.

هنگامی که بهره مندی از نعمات دنیوی هدف نهایی گردد، آدمی برای دستیابی به آن دست به هر کار نا شایستی می‌زند و به پند و نصیحت اطرافیان گوش فرا نمی‌دهد.

امیر المؤمنین علیه السلام برای فرزند گرامیش امام مجتبی علیه السلام سرانجام دنیا دوستان را اینگونه بیان می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَتَكَالِبُهُمْ عَلَيْهَا...

سَلَكْتَ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى وَأَخَذْتَ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى»^(۳)

فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا وَغَرَقُوا فِي نَعْمَتِهَا، وَاتَّخَذُوهَا رَبًّا، فَلَعَبْتَ بِهِمْ

وَلَعَبُوا بِهَا، وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا»^(۴).

۱ - غرر الحکم، حدیث ۷۲۷۴.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۲ ص ۴۰ حدیث ۱۳۴۶۰.

۳ - منار الهدی: یعنی روشنائی آشکار در گذشته برای مساجد مناره می‌ساختند و بالای آن چراغ روشن می‌کردند، تا کسانی که دور از شهر بودند بوسیله این روشنائی راه را بیابند و به شهر هدایت شوند.

۴ - نهج البلاغه محمد عبده، ص ۵۶۵ - ۵۶۴.

فرزندم! مبادا که فریفته شوی، هنگامی که می‌نگری دنیا داران به دنیا دل بسته‌اند و بر سر آن با یکدیگر می‌ستیزند... دنیا آنان را در راه تاریک و کور به حرکت در آورد و چشمانشان را از چراغ هدایت بپوشاند. سپس در حیرت‌کده گم گشتند و در نعمت آن غرق شدند، دنیا را برای خود خدا اتخاذ کردند، سپس دنیا آنان را به بازی گرفت و آنان هم آن را به بازی گرفتند و زندگی پس از دنیا را، فراموش کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این فراز به نکاتی چند اشاره می‌فرماید:

۱ - هشدار نسبت به فریب خوردن از دنیا و دنیاداران و کسانی که برای دنیا جاودانگی قائلند.

۲ - اگر در دام دنیا گرفتار گردیم، دنیا ما را از مسیر روشنایی به راه گمراهی و نابینایی هدایت می‌کند.

۳ - کسی که در مسیر دنیا گام می‌گذارد نور بلند و رفیع هدایت را نمی‌بیند.

۴ - کسی که نور هدایت را نبیند، در دنیا سرگشته و سرگردان خواهد شد؛ آنگاه در نعمات آن غرق می‌گردد، و دنیا را خدا و رب خود می‌داند، چنین کسی دنیا هادی و مربی او می‌شود.

۵ - اهل دنیا با دنیا و دنیا نیز با آنان بازی می‌کند.

برای اینکه قسمت پایانی فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام را بهتر در یابیم به آیه‌ای از قرآن کریم توجه فرمایید:

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است.

با توجه به این آیه زندگی دنیوی را به چند مرحله تقسیم کرده‌اند:

۱ - مرحلهٔ لعب: لعب نخستین مرحله می‌باشد، لعب یعنی بازی کردن. بازی کردن ویژگی دوران کودکی است.

فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار این تقسیم بندی در آیه بدین معنا است که، کسانی که اسیر دنیا می‌شوند از دوران کودکی بیرون نمی‌آیند و همیشه کودک می‌مانند.

۲ - مرحلهٔ لهو: لهو به معنی سرگرمی، مخصوص دوران نوجوانی می‌باشد.

۳ - مرحلهٔ زینت: زینت به معنی زیبایی، مخصوص دوران جوانی است، جوانان در این دوران به دنبال تجمل و زیبایی می‌روند.

۴ - مرحلهٔ تفاخر: دورهٔ میانسالی به بالاتر، دورهٔ فخر فروشی می‌باشد، و آدمی به دستاوردهایش و آنچه در طول دوران حیات اندوخته است افتخار می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« من آثر الدنيا على الآخرة حشره الله يوم القيامة أعمى »^(۲).

هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، خدا او را نابینا محشور می‌کند.

۱ - سورة حدید، آیه ۲۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۷ ص ۲۱۸ حدیث ۱۲۷.

امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

« من غلبت الدنيا عليه عمى بين يديه »^(۱).

هر که دنیا بر او چیره شود ، نابینا گردد .

اگر دنیا بر فرد غلبه کند ، انسان رو بروی خود را نمی بیند . زیرا دنیا پرستی غفلت آور و غفلت نقطه مقابل بصیرت است .

خداوند می فرماید :

﴿ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴾^(۲).

آنانی که ایمان به ملاقات ما و روز رستاخیز ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها که از آیات ما غافلند .
انسان هایی که به دنیا دل بسته اند به دلیل غفلت نمی توانند حقایق خلقت را ببینند ، و ارزش واقعی خود را نمی دانند .
« ليس المتجر أن ترى الدنيا ثمناً لنفسك »^(۳) .

تجارت (منفعت) آن نیست که دنیا را بهای خود بدانی .

همه دنیا نیز ، بهای انسان نیست ، و انسان قیمتی بالاتر از آن دارد . اگر بخواهند دنیا را به انسانی بدهند و هویت او را بستانند ، این تجارت ، زیان آور خواهد بود .

۱ - غرر الحکم ، حدیث ۹۵۲۵ .

۲ - سورة یونس ، آیه ۷ .

۳ - نهج البلاغة ، ج ۱ ص ۷۸ خطبة ۳۲ .

در این رابطه روایات جالبی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است ،
« عین المحب عمیة عن معایب المحبوب واذنه صماء عن قبح مساویه »^(۱).

دیده دوستدار نسبت به عیب‌های محبوب کور است و گوشش از شنیدن زشتی‌ها و بدی‌های او کر می‌باشد. عاشق ، زشتی‌های معشوق را نمی‌بیند ، حال معشوق هر شکل و هیئتی داشته باشد .

در ادبیات فارسی در داستان لیلی و مجنون آمده است که ، به مجنون می‌گفتند که لیلی زیبا نیست ، اما او می‌گفت من فقط زیبایی می‌بینم .
اگر بر دیده مجنون نشینی به غیر از خوبی لیلی نبینی
و در یک کلمه ،

« حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يعمى وبصم »^(۲).

دوستی هر چیز ، تو را کور و کر می‌کند .

ب : گناه

با تدبّر در سخنان اهل بیت علیهم السلام در می‌یابیم که گناه از عوامل بسیار مهم در عدم بصیرت می‌باشد .

به این روایت توجّه فرمایید ، البته قسمت پایانی آن مربوط به این قسمت بحث می‌گردد ،

« عن أبي عبد الله عن أبيه عليه السلام قال : قال لي أبي علي ابن الحسين

۱ - غرر الحكم ، حدیث ۶۳۱۴ .

۲ - من لا یحضره الفقیه ، ج ۴ ص ۳۸۰ حدیث ۵۸۱۴ .

صلوات الله عليهما : يا بني انظر خمسة فلا تصاحبهم ولا تحدثهم ولا ترافقهم في طريق ، فقلت : يا أبت من هم عرّفنيهم ؟ قال : إيتاك ومصاحبة الكذّاب فإنّه بمنزلة السراب يقرّب لك البعيد ويبعد لك القريب وإيتاك ومصاحبة الفاسق فإنّه بايعك بأكلة أو أقلّ من ذلك وإيتاك ومصاحبة البخيل فإنّه يخذلك في ماله أحوج ما تكون إليه وإيتاك ومصاحبة الأحمق فإنّه يريد أن ينفعك فيضرك وإيتاك ومصاحبة القاطع لرحمه فإنّي وجدته ملعوناً في كتاب الله عزّ وجلّ في ثلاثة مواضع ، قال الله عزّ وجلّ ﴿ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴾ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ ﴿١﴾ وقال عزّ وجلّ ﴿ وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴾ ﴿٢﴾ وقال في البقرة ﴿ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴾ ﴿٣﴾ ﴿٤﴾ .

امام سجاد عليه السلام به فرزند گرامیشان می فرماید : با پنج گروه رفاقت و گفتگو نکن و با آنان همراه مشو . گفتم : ای پدر ! این پنج گروه ، چه کسانی هستند ؟ فرمودند : ۱ - درغگو ، زیرا وی همچون سراب می باشد دور را برای تو نزدیک و نزدیک را نزد تو دور جلوه می دهد . ۲ - فاسق ، تو را به پشیزی می فروشد و

۱ - سورة محمد صلی الله علیه و آله ، آیه ۲۳ .

۲ - سورة رعد ، آیه ۲۵ .

۳ - سورة بقره ، آیه ۲۷ .

۴ - کافی ، ج ۲ ص ۶۴۱ .

برای رفاقت ارزشی قائل نیست. ۳- بخیل، هنگامی که به پول نیاز داری تو را خوار و ذلیل می‌کند. ۴- احمق، انسان احمق و کوتاه فکر می‌خواهد به تو خدمت و سود رساند، اما زیان می‌رساند. ۵- قاطع رحم، کسی که مرتکب گناه قطع رحم شده و با بستگانش قطع رابطه کرده است، زیرا سه بار در کتاب خداوند لعنت شده.

[الف:] خداوند در سوره محمد ﷺ می‌فرماید: اگر از این دستورها رویگردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید. آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشه‌ایشان را کر و چشمه‌هایشان را کور کرده است.

[ب:] در سوره رعد می‌فرماید: آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنها است و بدی و مجازات سرای آخرت.

[ج:] و در سوره بقره می‌فرماید: (فاسقان) کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند قطع نموده و در روی زمین فساد می‌کنند، اینها زیان کارانند. با توجه به آیات روشن می‌شود که نه تنها قطع رحم بلکه هر گناهی که لعنت خداوند را در پی داشته باشد موجب سلب بصیرت می‌گردد.

ج: انکار حقیقت

یکی دیگر از موانع بصیرت، انکار حق علیرغم پی بردن به آن است.

روایت جالبی در این زمینه نقل شده است :

« عن أبي سهل بن مالك عن أبيه قال : إني لواقف مع المغيرة بن شعبة عند نهوض عليّ ابن أبي طالب عليه السلام من المدينة إلى البصرة إذ أقبل عمار ابن ياسر رضي الله عنه فقال له : هل لك في الله عزّوجل يا مغيرة فقال : وأين هو يا عمار ؟ قال تدخل في هذه الدعوة فتلحق بمن سبقك وتسوّد من خلفك فقال له يا مغيرة : أو خير من ذلك يا أبا اليقظان !! قال عمار وما هو ؟ قال : ندخل بيوتنا ونغلق علينا أبوابنا حتى يضىء لنا الأمر فنخرج ونحن مبصرون ولا نكون كقاطع السلسلة فر من الضحل فوقع في الغمر .

فقال له عمار : هيهات هيهات أجهل بعد علم وعمى بعد استبصار ؟ ولكن اسمع لقولي فوالله لن تراني إلا في الرّعين الأول قال فطلع عليهما أمير المؤمنين عليه السلام فقال : يا أبا يقظان ما يقول لك الأعور فإنّه والله دائماً يلبس الحق بالباطل ويموّه فيه ولن يتعلّق من الدّين إلا بما يوافق الدنيا ويحك يا مغيرة إنّها دعوة تسوق من يدخل فيها إلى الجنّة ^(۱) .

راوی می‌گوید ، هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام برای جنگ جمل راهی بصره بود ، من ومغیره بن شعبه ایستاده بودیم ، که عمار ابن یاسر به طرف ما آمد . عمار به مغیره گفت : آیا دوست داری برای خدا کاری انجام دهی ؟ مغیره گفت : آن چه کاری است ؟ عمار پاسخ داد ؛ بیا همراه ما به جنگ طلحه و زبیر

۱- بحار الانوار، ج ۳۲ ص ۱۲۴.

برویم، اگر چنین کنی به سابقین (اصحاب رسول الله ﷺ) ملحق خواهی شد و نسبت به آیندگان بزرگی و سیادت خواهی داشت. مغیره پاسخ داد: ای ابا یقظان (کنیه عمار یاسر) می خواهی کاری بهتر از این به تو بگویم. عمار گفت: آن چیست؟ مغیره گفت: به خانه هایمان برویم و درها را بر روی خود ببندیم تا حقیقت امر روشن گردد و همانند تشنه ای نباشیم که به زنجیر بسته شده و هنگامی که رهایی می یابد در آب غرق می گردد. عمار گفت: نادانی پس از علم! کوری پس از بصیرت و بینایی! ای مغیره بدان که مرا جز در صف اول حامیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نخواهی دید.

راوی می گوید: در این هنگام امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید، و فرمودند ای ابا یقظان این کور (ظاهراً امیرالمؤمنین (علیه السلام) به باطن مغیره نظر دارد و او را کور خطاب می کند) چه می گوید؟ بخدا قسم مغیره حق و باطل را همیشه خلط می کند و آن مقدار از دین را می پذیرد که با دنیای او منافات نداشته باشد.

مغیره موضوعیت ندارد هر کس حق و باطل را خلط نماید و نتواند با برهان و قرآن این دو را از هم تمییز دهد، فاقد بصیرت است.

نکته پایانی روایت میزان خوبی است که خودمان را با آن بسنجیم. اگر در موردی منافع دنیوی با دین در تضاد قرار بگیرد، کدام را انتخاب می کنیم؟ آیا همانند مغیره عمل می نماییم؟ اگر روزی یک مقام دنیوی به ما پیشنهاد شود که با دین ما منافات داشته باشد کدام را ترجیح می دهیم؟ انسان بصیر، دنیا و مقام دنیوی را رها می کند و از آن می گذرد، اما اگر کسی فاقد بصیرت

باشد، دین را می‌فروشد و با صدها توجیه و استدلال دنیا را انتخاب می‌کند. نقل می‌کنند شیخ انصاری رحمته الله به شاگردان خود می‌فرمود: هنگامی که از نجف به وطن خود بازگشتید، قصد قربت داشته باشید و یا نداشته باشید به تدریس اقدام نمائید زیرا تدریس در هر حال برای شما سود دارد. اما فقط در صورتی امام جماعت شوید که قصد قربت داشته باشید و هرگز قاضی نشوید، حتی با قصد قربت.

سِرّ این توصیه چه بود؟ هنگامی که شیخ انصاری رحمته الله در دزفول بود به قضاوت می‌پرداخت روزی خان آن منطقه خدمت ایشان آمد و گفت فردا برای اقامه دعوی خدمت شما خواهم آمد لذا از شما تقاضا دارم به نفع من حکم صادر کنید. می‌گویند شیخ در آن مجلس سخنی نفرمود ولی شبانه از دزفول به نجف رهسپار شد. وقتی که از وی پرسیدند، چرا دزفول را ترک کردی؟ در پاسخ فرمود: شهری که در آن به قاضی رشوه می‌دهند جای زندگی کردن نیست. این یک امتحان برای شیخ انصاری رحمته الله بود، که از آن سرافراز بیرون آمد، و دین خود را حفظ کرد.

گاهی صاحبان قدرت و مکنّت از روحانیّون می‌خواهند، مسأله‌ای را بگونه‌ای بیان نمایند که منافع نا مشروعشان تأمین گردد و در مقابل به آن روحانی قولهایی می‌دهند. آیا انسان متدبّر در این دام گرفتار می‌شود؟ اگر در چنین جایی قدم بلرزد، مطمئناً در صراط نیز خواهد لغزید. صراطی که خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾^(۱).

و همه شما بدون استثناء وارد جهنم می‌شوید، این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت.

نتیجه لغزش، سقوط در جهنم است و آنانی که عبور می‌نمایند ثابت قدمانی هستند که در لغزشگاههای دنیا خود را حفظ نموده‌اند.

د: هوی پرستی

یکی دیگر از موجبات کور باطنی و عدم بصیرت، پیروی از هوی و هوس است. از میان آیات متعددی که در قرآن آمده به دو آیه اشاره می‌کنیم،

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾^(۲).

هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می‌دادیم حتماً می‌گفتند: (چرا آیاتش روشن نیست)؟! قرآن عجمی از پیامبری عربی؟ بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هدایت و درمان است، ولی کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی‌بینند، آنها همچون کسانی هستند که گویی از راه دور صدا زده می‌شوند.

این آیه به روشنی بیان می‌کند که قرآن برای مؤمنان هدایت و شفا به

۱ - سوره مریم، آیه ۷۱.

۲ - سوره فصلت، آیه ۴۴.

ارمغان می آورد. اگر کسی به قرآن عمل نکند و از هواهای نفسانی خود پیروی نماید، سرانجام وی گمراهی و سرگردانی خواهد بود.

آیه دیگری که می توان به آن استناد نمود:

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۱).

و اما ثمود را هدایت کردیم، ولی آنها نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند و به همین جهت صاعقه - آن عذاب خوار کننده - بخاطر اعمالی که انجام می دادند، آنها را فرو گرفت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با هواهای نفسانی کلمات زیبایی دارند که به برخی از آن اشاره می کنیم،

« من ركب الهوى أدرك العمى »^(۲).

هر که مرکب آرزوها را سوار گردد، کوری را دریابد.

« من اتبع هواه أزلّه وأظله »^(۳).

هر کس هوس را پیروی کند، او را بلغزند و گمراه سازد.

« انك ان أطعت هواك أصمك وأعماك وأفسد منقلبك وأرداك »^(۴).

به راستی اگر فرمانبردار هوای نفس خود باشی، تو را کر و کور و راه بازگشت را تباه و تو را هلاک می کند.

۱ - سورة فصلت، آیه ۱۷.

۲ - غرر الحکم، حدیث ۹۰۲۲.

۳ - غرر الحکم، حدیث ۹۸۳۵.

۴ - غرر الحکم، ح ۳۸۰۰.

ج: پیروی از گمراهان

از دیگر موانع بصیرت پیروی و هدایت خواستن از گمراهان است. پیروی از فردی که در گمراهی به سر می‌برد و حق را از باطل تشخیص نمی‌دهد به حکم عقل نادرست است. کسی که خود گرفتار است و در سیاهی جهل، دست و پا می‌زند چگونه می‌تواند راه درست را به ما نشان دهد؟ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

« من استهدى الغاوي عمي عن نهج الهدى »^(۱).

هر که از گمراه، هدایت جوید، از راه هدایت کور ماند.

ه: آرزوهای بلند

با توجه به کلمات اهل بیت علیهم السلام در خواهیم یافت که طول امل و یا به عبارت دیگر آرزوهای بلند از موانع بصیرت بشمار می‌رود. انسان گرفتار آرزوهای بلند، مرگ و آخرت را فراموش می‌کند و چنان برنامه ریزی می‌کند که گویی جاودانه خواهد زیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

« الأمانى تعمى عيون البصائر »^(۲).

آرزوهای دست نیافتنی، چشم‌ها را کور می‌کند.

و: عدم امر به معروف و نهی از منکر

از دیگر موجبات عمی که در کلمات اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده،

۱ - غرر الحکم، حدیث ۹۲۳۶.

۲ - غرر الحکم، حدیث ۱۴۰۶.

بی اعتنایی به واجبات مخصوصاً امر به معروف و نهی از منکر است .

امیر المؤمنین علیه السلام در این رابطه می‌فرماید :

« إِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بِحَيْثُ مَا أَتَوْا مِنَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ ، فَلَمَّا تَمَادَوْا فِي الْمَعَاصِي ، وَلَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْهُمْ اللَّهُ بِعُقُوبَةٍ ، فَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ قَبْلَ أَنْ يَنْزَلَ بِكُمْ مِثْلُ الَّذِي نَزَلَ بِهِمْ »^(۱) .

آمتهايي که در گذشته هلاک و نابود شدند ، کسانی بودند که گناه می‌کردند اما علمایشان آنان را از انجام گناه نهی نمی‌کردند و خداوند بخاطر ترک نهی از منکر همگی آنان را به عذاب ، گرفتار نمود . پس قبل از آنکه به عذابی همانند آنان گرفتار شوید ، امر به معروف و نهی از منکر نمایید .

علمای آنان ، ناهی از منکر نبودند ، زیرا منافع دنیوی را مدّ نظر داشتند .

ح : علم بی عمل

از دیگر موجبات عمی که بیشتر به اهل علم و روحانیون مربوط می‌شود ، این است که انسان علمی را بیاموزد و به آن عمل نکند .

روایت بسیار مهمّی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است :

« طَلِبَةُ هَذَا الْعِلْمِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ أَلَا فاعرفوهم بصفاتهم وأعيانهم : صنف منهم يتعلّمون للمراءء والجهل ، وصنف منهم يتعلّمون للاستطالة والختل وصنف منهم يتعلّمون للفقہ والعقل ، فأما صاحب

۱ - مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ص ۱۸۰ .

المراء والجهل تراه مؤذياً ممارياً للرجال في أندية المقال، قد تسربل بالتخشع، وتخلّى من الورع، فدقّ الله من هذا حيزومه، وقطع منه خيشومه، وأمّا صاحب الاستطالة والختل فإنّه يستطيل على أشباهه من أشكاله، ويتواضع للاغنياء من دونهم، فهو لحلوائهم هاضم، ولدينه حاطم فأعمى الله من هذا بصره وقطع من آثار العلماء أثره، وأمّا صاحب الفقه والعقل تراه ذاكأبة وحزن قد قام الليل في حنّده وقد انحني في برنسه، يعمل ويخشى، خائفاً وجلاً من كلّ أحد إلا من كلّ ثقة من إخوانه فشدّ الله من هذا أركانه، وأعطاه يوم القيامة أمانه»^(۱).

طلّاب علم سه گروه هستند، آنان را با صفاتشان بشناسید: ۱- عده‌ای که برای جدل و ترک حلم علم می‌آموزند. ۲- گروهی که برای فریب و نیرنگ به دنبال علم می‌روند. ۳- دسته‌ای که برای فهم و تعقل علم فرا می‌گیرند. اما گروه نخست: کسی که برای مجادله و درگیر شدن علم آموخته است، فردی است مردم آزار، در مجالس علمی وارد می‌شود و وانمود می‌کند که بسیار فروتن و متواضع می‌باشد، اما در دل او هیچ اثری از ورع و ترس از خدا وجود ندارد. خداوند به این فرد هیچ بهره‌ای از علم عطا نمی‌کند، و به هدفش که ریختن آبروی دیگران است نمی‌رسد و خداوند آبرویش را در گفتگوهای علمی می‌برد و رشته حیات وی را قطع می‌کند (در طول زندگی افرادی را دیده‌ایم که به خاطر حرمت شکنی بزرگان در مباحث علمی

۱- بحار الانوار، ج ۲ ص ۴۶ - ۴۷.

عمرشان کوتاه شده است).

گروه دوم: کسی که برای خدعه و نیرنگ (برای رسیدن به منافع دنیوی) علم آموخته است این فرد به اهل علم بی اعتنایی می‌کند و نسبت به آنان متکبر است، اما در برابر ثروتمندان بسیار فروتن می‌باشد و بر سر سفره آنان می‌نشیند، و ریشه دین خود را می‌سوزاند، خداوند چشم بصیرت این فرد را کور می‌کند، و اثر و نشانی از او در میان اهل علم نمی‌گذارد.

گروه سوم: کسی که برای فهم و تعقل علم آموخته است، همیشه او را مهموم و محزون می‌بینی، در تاریکی شب بر می‌خیزد، لباس عباد را بر تن می‌کند و برنس^(۱) بر سر می‌گذارد و به عبادت می‌پردازد، اعمال او از روی خوف و رجا می‌باشد، با کسی دوست می‌شود که به او اعتماد کرده باشد، خداوند ارکان دیانت این فرد را استوار می‌کند و در روز قیامت در امان پروردگار خواهد بود.

همه ما با نیت خیر و قصد خدمت در راه تحصیل علم دین گام گذارده‌ایم، انشاء الله این نیت تغییر نکند، تأملی کنیم و ببینیم که از کدام صنف می‌باشیم خدای ناکرده مغبون نشویم و خلوص نیت را از دست ندهیم که در آن صورت خداوند بصیرت را از ما می‌ستاند.

ز: روی گرداندی از ولایت

عدم پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام و مخالفت با آنان از موانع بصیرت بشمار می‌آید، در این رابطه روایات فراوانی ذکر گردیده که به برخی از آنان اشاره

۱ - قلنسوه، کلاه‌می که در صدر اسلام اهل عبادت بر سر می‌گذارده‌اند.

می‌کنیم.

مأمون از امام رضا علیه السلام سؤالی در مورد این آیه می‌پرسد:

﴿الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا﴾^(۱).

همانها که پرده‌ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود و قدرت شنوایی نداشتند.

سؤال مأمون این بود که چرا خداوند فرموده چشمانشان ذکر مرا

نمی‌بیند و نفرموده است گوششان؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«إِنَّ غِطَاءَ الْعَيْنِ لَا يَمْنَعُ مِنَ الذِّكْرِ وَالذِّكْرُ لَا يَرَى بِالْعَيْنِ وَلَكِنَّ اللَّهَ

شَبَّهَ الْكَافِرِينَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِالْعَمِيَانِ»^(۲).

پرده مقابل چشم مانع از ذکر نیست و ذکر با چشم دیده نمی‌شود ولی

خداوند منکران ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را به کور تشبیه نموده است.

در روز غدیر هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام را بر روی

دست گرفته فرمودند:

«مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^(۳).

هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست.

یکی از حاضرین به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعتراض کرد، و گفت هر چه گفתי

۱- سورة كهف، آیه ۱۰۱.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ ص ۱۲۴.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۵۲، مسند احمد بن حنبل، ج ۱ ص ۸۴.

پذیرفتیم، ولی باز هم راضی نشدی، حال پسر عمویت را بر همه ما ترجیح می‌دهی، راست بگو! این سخن تو است یا گفته خداوند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: دستور خداوند می‌باشد. معترض گفت:

« اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ هَذَا مِنْ عِنْدِكَ فَاَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ اَوْ اَتْنَاءَ بَعْذَابٍ اَلِيْمٍ »^(۱).

خدایا اگر این امر تو می‌باشد از آسمان بر ما سنگ ببار یا عذابی شدید نازل کن.

معترض هنوز به جایگاه خود نرسیده بود که سنگی از آسمان نازل شد و به سرش اصابت کرد و به هلاکت رسید و این آیه نازل شد، ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾^(۲).

تقاضا کننده‌ای، تقاضای عذابی کرد که واقع شد. این عذاب مخصوص کافران است و هیچ کس نمی‌تواند آنرا دفع کند. در تفسیر آیه شریفه،

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾^(۳). هر کس از یاد من رویگردان شود زندگی سخت و تنگی خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم. از ابن عباس نقل شده است که:

۱ - مجمع البیان، ج ۵ ص ۳۵۲، شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۸۱.

۲ - سوره معارج، آیه ۲ - ۱.

۳ - سوره طه، آیه ۱۲۴.

« من ترك ولاية علي عليه السلام أعماه الله وأصمّه عن الهدى »^(۱).

هر که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را نپذیرد، خداوند او را از مسیر هدایت کور و کر می‌کند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

« من كَذَّبَ علينا أهل البيت حشره الله يوم القيامة أعمى يهودياً وإن أدرك الدجال آمن به في قبره »^(۲).

هر که بر ما اهل بیت دروغ ببندد، خداوند او را در قیامت یهودی نابینا محسوس می‌گرداند و حتی اگر در قبر خود دجال را درک کند به او ایمان می‌آورد.

کسانی که اهل بیت علیهم السلام را باور ندارند، در دنیا و آخرت کور دل می‌باشند. انسان در دنیا گرفتار حجاب است ولی در عالم برزخ حجابها برداشته می‌شود:

﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾^(۳).

(به او خطاب می‌شود) تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیز بین است.

اما اگر کسی منکر ولایت باشد کوری باطن پس از مرگ نیز او را رها نخواهد کرد. در روایات آمده است: برخی از منکران ولایت در عصر حضرت

۱ - مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۲۹۳، شواهد التنزیل ج ۱ ص ۴۹۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۶۰.

۳ - سورة ق، آیه ۲۲.

بقية الله (عجل الله فرجه الشريف) دوباره زنده می‌شوند، اما حق و حقیقت را نمی‌پذیرند.

فخر رازی معروف به امام المشککین در کتابی که در تفسیر قرآن نوشته می‌گوید، برای اثبات واقعه غدیر خم، چهل راه یافته‌ام، اما هنوز اطمینان ندارم، این سخن مصداق روشن کور دلی است.

۲- موانع کور دلی:

الف: ارادة الهی:

هنگامی که در سخنان اهل بیت وحی عَلَيْهِمُ السَّلَام دقت می‌کنیم در می‌یابیم که اراده خداوند تبارک و تعالی از موانع کور باطنی و عمی است. اراده خداوند، هنگامی شامل حال انسان می‌گردد که فرد این قابلیت را در خود ایجاد کرده باشد.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابو ذر می‌فرماید:

«إذا أراد الله عز وجل بعبد خيراً فقهه في الدين وزهده في الدنيا وبصره بعيوب نفسه»^(۱).

اگر خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد به او فهم دین، پارسایی در دنیا و بصیرت نسبت به عیبهایش را به او عطا می‌کند.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۸۰.

« إذا أراد الله عز وجل بعبد خيراً ففقهه في الدين وألهمه يقيناً »^(۱).

هر گاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد فهم دین و یقین به او الهام می‌کند. با توجّه به مناجات امام سجاد علیه السلام که از خداوند یقینی می‌طلبد تا در پرتو آن بصیر گردد در می‌یابیم که بصیرت از میوه‌های یقین می‌باشد و به عبارت دیگر یقین از عواملی است که فرد را در معرض اراده الهی قرار می‌دهد، تا به بصیرت دست یابد و از کور باطنی نجات پیدا کند. خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾^(۲).

هر کس خداوند هدایتش را بخواهد دلش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید.

ب: آخرت بینی

خدا و آخرت را در نظر داشتن و دل از دنیا بریدن از موانع کور باطنی به شمار می‌آید. منظور از دل نبستن به دنیا، عدم استفاده از تنعمات دنیوی نیست. زیرا خداوند دنیا و نعمتهای آنرا برای بندگانش بخصوص صالحان آفریده است. بلکه منظور عدم وابستگی به دنیا و رهایی از هم و غم آن است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

« عباد الله إنّ من أحبّ عباد الله إليه عبداً أعانه الله على نفسه ... قد خلّع سراويل الشهوات وتخلّى من الهموم إلّاهمّاً واحداً انفراداً به، فخرج من صفة العمى ومشاركة أهل الهوى وصار من مفاتيح أبواب

۱ - غرر الحکم، حدیث ۴۱۳۳.

۲ - سورة انعام، آیه ۱۲۵.

الهدی و مغالیک أبواب الردی»^(۱).

ای بندگان خدا، از محبوب ترین بندگان نزد خداوند کسی است خداوند که او را در راه پیروزی بر (هوس های سرکش) نفسش یاری کرده است ... جامه شهوت را از تن برون کرده و از تمام هم و غم ها - جز یک اندوه - خود را تهی ساخته و تنها به آن می اندیشد (هم و غم او، تنها وصال محبوب و قرب پروردگار است) این زهد و اخلاص، او را از نابینایی ها رهایی بخشیده و از زمره هوا پرستان خارج ساخته (بدین سبب) کلید درهای هدایت و قفل درهای ضلالت گردیده است.

بنابر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام انسانی که نگران آخرت است و لباس شهوت و تمایلات نفسانی را از تن بدر آورده، نه تنها نابینا نیست بلکه کلیدی برای درهای هدایت و قفلی برای درهای گمراهی است.

ج: تجربه آموزی

بهره گیری و استفاده از تجارب دیگران از موانع عمی است. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد از جمله:

«لو لا التجارب عمیت المذاهب»^(۲).

اگر تجربه ها نباشد، راه ها همه به کوری منتهی می شود.

«من لم ینفعه الله بالبلاء والتجارب لم ینتفع بشي من العظة»^(۳).

۱- نهج البلاغة، ج ۱ ص ۱۵۲ خطبة ۸۷.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۴۲۱.

۳- بحار الانوار، ج ۳ ص ۳۱۲.

هر که از گرفتاریها و تجربه‌ها بهره نگیرد، از هیچ پند و نصیحتی بهره نخواهد برد.

د: پرسش

کسی که مسأله‌ای را نمی‌داند و به دنبال پاسخ آن می‌باشد، در کوری بسر نخواهد برد. اما کسی که سکوت اختیار کند، و به دنبال جواب نباشد در علم را به روی خود بسته است و در جهل خواهد ماند. در این رابطه شعری به امام باقر علیه السلام منسوب است:

شفاء العمی طول السؤال وإنّما تمام العمی طول السکوت علی الجہل^(۱)
درمان نابینایی پرسیدن است و همه نابینایی سکوت (نپرسیدن) از مجهولات
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«إنّ العلم حياة القلوب من الجہل و ضیاء الأبصار من الظلمة»^(۲).
بدرستی که دانش، حیات (از نادانی) برای دلها و روشنایی (از تاریکی) برای چشمها است.

ه: تفکر در قرآن

از دیگر موانع مؤثر در کور دلی تدبّر در قرآن کریم است.
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«القرآن هدی من الضلالة و تبیان من العمی و استقالة من

۱- بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۳۵۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱ ص ۱۷۱.

قرآن هدایت از گمراهی و مانع از نابینایی و لغزش است .

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند :

« ما جالس أحد هذا القرآن لإقامة بزيادة أو نقصان زيادة في هدى

أو نقصان في عمى » (۲) .

هیچ کس با این قرآن همنشین نشد . مگر آنکه از نزد آن با کاستی یا با

افزونی برخاست . افزونی در هدایت و کاستی در کوری .

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

« وفي كتاب الله نجات من الردى وبصيرة من العمى » (۳) .

در کتاب خدا رهایی از گمراهی و بینایی از نابینایی قرار دارد .

و: پیروی از اهل بیت علیهم السلام

اطاعت از ائمه علیهم السلام و در مسیر آنان حرکت نمودن از موانع مهم کور

باطنی است . در کتب روایی ، احادیث فراوانی در این زمینه یافت می شود که

به چند نمونه اشاره می کنیم .

« أين الذين زعموا أنهم الراسخون في العلم دوننا كذباً وبغياً علينا

وحسداً لنا أن رفعنا الله سبحانه ووضعهم وأعطانا وحرّمهم وأدخلنا

وأخرجهم بنايستعطى الهدى ويستجلى العمى لا بهم » (۴) .

۱ - کافی ، ج ۲ ص ۶۰۰ .

۲ - غرر الحكم ، حدیث ۱۰۳۰۵ .

۳ - مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ص ۳۶۲ .

۴ - غرر الحكم ، حدیث ۲۸۲۲ .

کجايند آنان که گمان کردند در دانش استوارند نه ما ، که اين دروغ و ستم و حسد بر ما بود و اين که خداوند سبحان ما را سر بلند نمود و آنها را خوار قرار داد . به ما بخشيد و آنها را محروم ساخت . ما را در دين و هدايت خویش قرار داد و آنان را بيرون راند . از ما هدايت سر چشمه گيرد و کور بينا شود نه از آنها .

به اين روايت که گفتگویی ميان امام صادق عليه السلام و ابو حنيفه می باشد توجه کنید .

« لَمَّا قَدِمَ الصَّادِقُ عليه السلام الْعِرَاقَ ، نَزَلَ الْحَيْرَةَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو حَنِيفَةَ وَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ ... قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ : أَخْبَرَنِي جَعَلْتَ فِدَاكَ ، عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴾ ^(۱) ، قَالَ : فَمَا هُوَ عِنْدَكَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ ؟ قَالَ الْأَمْنُ مِنَ السَّرْبِ وَصَحَّةُ الْبَدَنِ وَالْقُوَّةُ الْحَاضِرُ ، قَالَ يَا أَبَا حَنِيفَةَ لَئِنْ وَقَفَكَ اللَّهُ وَأَوْفَقَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَكَ عَنْ كُلِّ أَكْلَةٍ أَكَلْتَهَا وَشَرِبْتَهُ شَرِبْتَهَا لِيَطُولَ وَقُوفُكَ ، قَالَ : فَمَا النَّعِيمُ جَعَلْتَ فِدَاكَ ؟ قَالَ : النَّعِيمُ نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَصَّرَهُمْ بِنَا مِنَ الْعَمَى وَعَلَّمَهُمْ بِنَا مِنَ الْجَهْلِ » ^(۲) .

هنگامی که امام صادق عليه السلام وارد عراق شدند و در حیره منزل نمودند ، ابو حنيفه نزد ایشان آمد و از ایشان پرسيد تفسير نعيم در سورة تکاثر چیست ؟ امام عليه السلام فرمودند ، نظر تو چیست ؟! ابو حنيفه گفت : امنيت

۱ - سورة تکاثر ، آیه ۸ .

۲ - مستدرک الوسائل ، ج ۱۶ ص ۲۴۹ .

راهها، سلامتی بدن و خوراک، امام علیه السلام فرمودند: اگر خداوند [به تو توفیق بدهد که] از تو در روز قیامت از هر لقمه‌ای که خورده‌ای و جرعه‌ای از آب که نوشیده‌ای بپرسد. ایستادن و محاسبه‌ات در محشر طولانی خواهد شد. ابو حنیفه گفت: فدایت شوم پس معنای آن چه می‌باشد، امام علیه السلام فرمودند: ما نعمتهای خداوند هستیم خداوند بوسیله ما مردم را از گمراهی، نجات داد و چشمان آنان را بوسیله ما بینا نمود و بوسیله ما دانش را به آنان آموخت.

نکته حائز اهمیت این است که امام علیه السلام می‌فرمایند: (اگر خداوند [به تو توفیق دهد و] در روز قیامت تو را محاسبه کند)، زیرا برخی از علماء معتقدند، کسانی در روز قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرند که بصورت انسان محشور می‌شوند.

«ثلاثة يدخلهم الله النار بغير حساب: إمام جائر، وتاجر كذوب و شيخ زان»^(۱).

خداوند سه گروه را بدون محاسبه وارد جهنم می‌کند: امام ستمکار، بازرگان دروغگو و پیرمرد زناکار.

مطمئنأً ابو حنیفه از جمله این افراد می‌باشد که با ستم به اهل بیت علیهم السلام امامت مردم را بر عهده گرفت.

می‌گویند روزی ابو حنیفه با مؤمن الطاق ملاقات می‌کند، و به وی می‌گوید شما قائل به رجعت می‌باشید. من می‌خواهم مقداری پول از شما قرض بگیرم و در رجعت به شما بپردازم. مؤمن الطاق گفت: آیا تو بصورت

۱- بحار الانوار، ج ۷۶ ص ۲۰.

انسان رجعت می‌کنی تا من به تو پول قرض بدهم^(۱)؟!.

مهم بهره‌گیری از سخنان وحی و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، عالمی که اهل بیت علیهم‌السلام را مدّ نظر نداشته باشد، همانند ابلیس است که در برابر خداوند استدلال نمود. علمی که همراه با ولایت اهل بیت علیهم‌السلام نباشد سرانجامی چون ابو حنیفه دارد.

تذکراتی مهم

- ۱ - کلمات اهل بیت علیهم‌السلام باید محور سخنانمان در منابر قرار بگیرد.
- ۲ - یکی از روشهای موفق و آزموده شده برای معرفی اهل بیت علیهم‌السلام معرفی کامل مخالفان و دشمنان آنها در هر دوره‌ای می‌باشد. برای معرفی امیرالمؤمنین علیه‌السلام باید، خبیثهای معاصر ایشان را به خوبی برای مردم معرفی نمود. برای شناخت ابا عبدالله علیه‌السلام باید بنی امیه و ستمگران آن دوران و جنایتهای آنان و اقداماتی که برای نابودی اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام انجام دادند را برای مردم روشن نمود.
- ۳ - ولایت اهل بیت علیهم‌السلام دو رکن اساسی دارد که باید هر دو را با هم حفظ و تقویت کرد. آن دو رکن عبارت است از تولّی و تبرّی. تنها محبت آنان کافی نیست. با دشمنان، آنان هم باید دشمن بود. اگر تنها محبت آنان را داشته باشیم و فضایل آنان را بدانیم، یک سنی دوازده امامی خواهیم بود.
- ۴ - صاحبان و مفسران اصلی دین، اهل بیت علیهم‌السلام هستند، باید برای تفقّه در دین به آنان رجوع نماییم. اگر کسی بخواهد با تکیه بر عقل خود به

۱ - تنقیح المقال، ج ۳ ص ۱۶۱.

فهم دین دست یابد، بداند سر انجामी جز گمراهی نخواهد داشت. ابو حنیفه، مدتی در محضر امام صادق علیه السلام درس آموخت و اعتراف می‌کند، «لو لا السنتان لهلك النعمان»^(۱).

اگر آن دو سال نبود هلاک می‌شدم.

ولی فقط درس خواند، مهم پیروی همراه با تولی و تبری است. ابو حنیفه می‌خواهد با تکیه بر عقل خود به فهم دین دست یابد به فقه او بنگرید و فتاوی عجیب او را ملاحظه کنید: مثلاً در باب نکاح می‌گوید: اگر کسی مادر یا خواهر خود را عقد کند در حالی که بداند آنها مادر یا خواهر او هستند و با آنها جماع کند بر او حدی نباشد زیرا که عقدش شبهه است^(۲). در باب رضاع عایشه می‌گوید: اگر یک نوزاد و بزرگسالی با هم از یک مادر شیر بنوشند احکام رضاع بر آنان جاری می‌شود^(۳). بخاری صاحب صحیح چنین می‌گوید: اگر دو نفر از یک حیوان (همانند گاو) شیر بنوشند باز هم بر آنان احکام رضاع جاری می‌شود^(۴). با این توسعه‌ای که برای رضاع قائل است، دیگر مسأله محرم و نامحرم منتفی می‌شود.

۵- ما باید بدون هیچ هراس و با جرأت این مسائل را به شیعیان بگوییم تا خدای نکرده نسل آینده و جوانان ما از اعتقادات بی اطلاع نباشند و آنها را به فراموشی نسپارند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- از منابع شیعه: خلاف ج ۱ ص ۳۱ و از منابع عامه: التحفة الاثنی عشریه (آلوسی) ص ۸.

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵ ص ۹۸.

۳- المجموع، ج ۱۸ ص ۲۱۲.

۴- شرح العناية علی الهدایة، ج ۳ ص ۴۵۶ و ۴۵۷.

... راوی می گوید: در این هنگام
امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید، و فرمودند ای ابا یقظان
این کور (ظاهراً امیر المؤمنین (علیه السلام) به باطن مغیره
نظر دارد و او را کور خطاب می کند) چه می گوید؟
بخدا قسم مغیره حق و باطل را همیشه خلط می کند
و آن مقدار از دین را می پذیرد که با دنیای او
منافات نداشته باشد. مغیره موضوعیت ندارد هر
کس حق و باطل را خلط نماید و نتواند با برهان و
قرآن این دو را از هم تمییز دهد، فاسد بصیرت
است. (صفحه ۱۲ از همین جزوه)

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

